

# هو الفتح العليم أنوار ترجمه‌های فرقانی

از

## سورة مباركة حمد قرآنی

اثر: دکتر سید امیر محمود انوار

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

مقاله‌ای برگرفته از نوبت سوم طرح پژوهشی شرح و تفسیر بر دو سورة

مباركة حمد و اخلاص

(از ص ۱۴۹ تا ۱۶۸)

### چکیده:

بعد از دو مقاله استعاده و نامهای سورة مباركة حمد، نیکو مینماید که مقاله را در نوبت سوم، به گزیده‌ای از ترجمه‌های زیبا از سورة مباركة حمد والا و دلربا اختصاص دهم که در تاریخ ادب پارسی قرآنی نام بردارند. و در آغاز شمه‌ای از شرح حال و اثر این ترزبانان سخن سنج را آورم تا ارزش آن آثار ارزنده نیکوتر جلوه نماید و سپس به تطبیق تاریخی ترجمه‌ها پردازم تا این شاءالله تعالی محققان سخن سنج و زبان شناس را به کار آید. از این رو از سلمان پارسی به سورآبادی و نسفی و میبیدی و رازی و کاشفی و کاشانی و لاهیجی و سرانجام ترجمه‌ای تفسیرگونه به نثر و نظم از نگارنده پراخته آمد تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

واژه‌های کلیدی: قرآن، حمد، ترجمه، گزیده، تطبیق، نثر، نظم.

### مقدمه:

زبان و ادب پارسی، بی شک، دومین زبان و ادب معارف اسلامی در جهان، و زبان گویا و پایدار حقائق قرآنی و دقائق فرقانی است. از این رو ترزیانان قرآن دان را در بلندای تاریخ مینگریم که دست حاجت و ارادت به درگاه عنایت الهی برآورده‌اند و ره‌آوردهائی زیبا و دلربا از ترزیانیهای قرآنی به پارسی را فراهم آورده‌اند و نگارنده بر آن شد تا نمونه‌هایی برگزیده از اینها را دربارهٔ سورهٔ مبارکهٔ حمد پیش کش دارد و چون پیش از ورود به تطبیق آشنایی با مترجمان نیز لازم مینمود شمه‌ای کوتاه از شرح حال مترجمان و کتابهای ایشان گفته آمد و سخن از سلمان پارسی آغاز شد.

### متن:

۱- نخستین ترجمه از سلمان پارسی، صحابی معروف ایرانی است متوفی به سال ۳۵ یا ۳۶ هجری، که نام پرآوازه‌اش به برکت ایمان و همراهی با دین مبین اسلام و پیمبر والای الهی، در عوالم وجود به پایداری و خلود انجامیده است که سلمان منّا أهل البيت و مورخان و نگارندگان تاریخ قرآن دربارهٔ ترجمهٔ سلمان پارسی سخن گفته‌اند بخصوص شرنبالی که در کتابش موسوم به *النفحة القدسیة* گوید: روی أنّ أهل فارس كتبوا إلى سلمان الفارسی، أن یکتب لهم الفاتحة بالفارسیة، فکتب لهم «بسم الله الرحمن الرحیم» «بنام یزدان بخشاینده»، فكانوا یقرؤون ذلك فی الصلاة حتی لانت ألسنتهم. و بعد ما کتب، عرضه علی النبی صلی الله علیه و (آله) و سلم. (مناهل الفرقان فی علوم القرآن، الزرفانی، دارالاحیاء، مصر، ج ۲، ص ۵۵)

۲- ترجمه‌ای است که دانشمندان ایرانی به امر امیر ابوصالح منصور بن نوح سامانی که از امرای سامانی و مشوق علم و ادب و توجه به مبانی و حقائق قرآنی و اسلامی بود، حدود سال ۳۵۰ تا ۳۶۵ هـ، بگونه‌ای توسعی و آزاد، از تفسیر ارجمند ابوجعفر محمد بن جریر طبری، دانشمند و مفسر بزرگ ایرانی نمودند که به سال ۲۲۴ یا اوائل ۲۲۵ هـ به جهان دیده گشوده و به سال ۳۱۰ هجری وفات یافته است.

در این ترجمه ارجمند واژه‌های فراوان فارسی بکار رفته است و از جمله متون اصیل فارسی با نثری موجز و بی صنعت و مرسل به شمار می‌رود که به زمان سامانیان نگاشته شده است و از واژه‌های فارسی کهن و غریب چون هنباز به معنی شریک و اُنباز در «بگو که از آدمیان کی به خدای عزّ و جلّ هنباز گرفت» (ج ۱، ص ۲۹، س ۷) و اُوکندن بجای افکندن در «صورتی بود اُوکنده از مشرق تا مغرب» (ج ۱، ص ۴، س ۸) و بلگی بجای برگی، در «بلگی از درخت اُنجیر باز کردند و بر عورت خویش نهادند» (ج ۱، ص ۵۳، س ۶) و شارستان بمعنی شهرستان «واز آن شارستان کرد روئین، و آن شارستان کجاست» (ج ۱، ص ۲۸، س ۱۳) و ترجمه کلمه حُکم به برگزاردن و بریدن، در ترجمه فحکمه اِلی الله (تاریخ ترجمه قرآن در جهان، دکتر سلماسی زاده، ص ۹۱ و ۹۲)

در کتابت این ترجمه نیز کلماتی آمده است که در فارسی کنونی ما معمول نیست مثلاً استخوان بجای استخوان اِم شب بجای امشب، کینخدا بجای کدخدا، ابرهیم بجای ابراهیم، آشکاره بجای آشکارا، ده قان بجای دهقان، طلخ بجای تلخ، مزغ بجای مغز، هرروزی بجای هرروزی، صرخ بجای سرخ، پهللو بجای پهلو، سولاخ بجای سوراخ (ترجمه تفسیر طبری، به اهتمام حبیب یغمایی، ج ۱، مقدمه، ص ۱۵)

این ترجمه به تصحیح و اهتمام ادیب ارجمند شادروان حبیب یغمایی به سال ۱۳۳۹ ه.ش در چاپخانه دولتی ایران به چاپ رسیده است. ۳- تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری معروف به تفسیر سورآبادی، بعد از تفسیر طبری و اسفراینی، کهن‌ترین ترجمه و تفسیر قرآن کریم است و مؤلف خود، آنرا تفسیر التفاسیر نامیده است.

این ترجمه و تفسیر را نثری روان و لطیف است و از بهترین نمونه‌های نثر ساده و روشن و شیوایی است که از قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) بازمانده است و مشتمل بر لغات و اصطلاحاتی از زبان فارسی است که در قرن پنجم هجری رایج بوده است و مؤلف آنرا به هفت بخش تنظیم نموده است (تفسیر سورآبادی، پیشگفتار، صفحه یک) و این تفسیر به تصحیح سعیدی سیرجانی و همت بانو مهرانگیز سعیدی در پنج جلد در مؤسسه فرهنگ نشر نو، در تهران به سال ۱۳۸۱ ه.ش به طبع رسیده است.

۴- تفسیر نسفی: ترجمه‌ای کهن از قرآن مجید به فارسی موزون و مسجع اثر امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی.

این تفسیر که در دو جلد به همت والا و تصحیح استاد دکتر عزیز الله جوینی به سال ۱۳۷۶ در انتشارات سروش به زیور طبع آراسته شده است، در نگارش، دارای سبکی شیوا است و از محسنات فصاحت و بلاغت برخوردار. با عباراتی آهنگین و آرایشهای لفظی و معنوی. مصحح دانشمند را در معرفی آن عباراتی رساست و در مقدمه، برخی از خصوصیات و فواید این تفسیر را، اینگونه شرح می‌دهند.

۱- بهیچ وجه مزاحمت و برخورد میان سنی و شیعه در سرتاسر این کتاب دیده نمی‌شود و بالعکس هر کس ترجمه سوره والفجر را بخواند گمان می‌کند که امام نسفی شیعه بوده است؛ زیرا می‌گوید: «سوگند به سپیده دم روز اول محرم و سوگند به دهه عاشورای محترم و سوگند به سپیده دم روز اول رمضان و سوگند به دهه آخرین ماه رمضان...» (ج ۲، ص ۱۱۵۹)

۲- موزون بودن عبارات و صنایع بدیعی و عروضی آن، نشان می‌دهد که مردم ما شیفته جاذبه‌های شعری بوده و جامعه ایرانی همواره از شعر و موسیقی در هر مرحله‌ای که بوده استقبال کرده‌اند.

بی جهت نیست که پس از انقلاب کبیر فرانسه که چون شعر نو، پا به محافل ادبی کشور ما گذاشت - بجز معدودی - چگونه مردم از آن استقبال کردند و از آن به عنوان حربه‌ای بر ضد استعمارگران به کار گرفتند؟ به ویژه که سابقه شعر هجایی در آثار پیش از اسلام، از قبیل: گاتهای زردشت، ایادگار زیران و درخت آسوریک وجود داشته است.

۳- این تفسیر که با ترجمه فارسی زیبایی نوشته شده و سابقه‌ای تقریباً هزار ساله دارد می‌تواند بر کشورهای چون: هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی برای آشنایی آنان به سرچشمه زلال دین اسلام بسیار پرفایده و ثمر بخش باشد، بویژه که هنوز آنان نزدیک به واژگان این تفسیر سخن می‌گویند.

۴- از نظر واژگان و تعبیّرات اصیل بقدری غنی است که می‌تواند پشتوانه زبان فارسی و دستمایه فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ایران گردد، لغاتی همچون: آسغده، آگفت،

آماشتن، انفرز، بسوج کردن، چفسیدن، خويدرها، زموده گر، غريفج، غوشه، فسیت کردن، فيريده شده، کيفتن، گنانه، ناويدن، هياشیده و صدها واژه (تفسير نسفی، ج ۱، مقدمه، ص ۳۳ و ج ۲ ص ۱۲۰۲ به تصحيح دکتر جرينی)

۵- کشف الأسرار و عده الأبرار، معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاری تأليف: ابوالفضل رشيدالدين ميبدی که به همت شادروان استاد علي اصغر حکمت به سال ۱۳۳۱ ه.ش از جمله انتشارات دانشگاه تهران در ده جلد به طبع رسیده است و مصحح ارجمند در مقدمه گوید «اما علت اینکه این تفسير به تفسير خواجه عبدالله انصاری معروف شده است آن است که مؤلف (ميبدی) چنانکه خود در مقدمه می گوید، بر تفسير خواجه عبدالله انصاری نظر داشته و آنرا در اختصار و ایجاز، به حد اعجاز دیده است و بر آن سر شده که آنرا به شرح و بسط بیاراید و مرغ سخن را در آن فضا بال و پری گشاید و همه جا در تلوکلام، از دَرر کلمات پیر هرات، به استشهاد و به عناوین مختلف نقل کرده است. و سپس اینگونه توضیح می دهند که «با کمال تأسف اصل تفسير خواجه انصاری به دست نیست... اما نگارنده مقاله را نظر این است که به احتمال قوی و با توجه به سبک گفتاری و نگارشی خواجه انصاری، نوبت اول که ترجمه آیات به پارسی روان و کهن است از خواجه رحمة الله تعالى عليه است و ميبدی رضوان الله عليه بر نوبت دوم و سوم افزوده است ابوالفضل رشيدالدين أحمد بن أبي سعيد ميبدی در کشف الاسرار، سخنان خواجه عبدالله را تحت عناوین پير طريقت، پير طريقت و جمال أهل حقيقت شيخ الإسلام انصاری، پير صوفيان، پير بزرگ، پير طريقت شيخ الإسلام انصاری، عالم طريقت عبدالله انصاری، شيخ الإسلام انصاری آورده است. و مصحح رايومند در مقدمه گوید: از مطالعه و تصفح در این نسخ معلوم شد که کتاب مذکور خزانه‌ای است آکنده به لثالی و جواهر، مشتمل بر تفسير قرآن شريف به سبک مفسرين عامه، و محتوی بر قرائات و اختلاف آنها، و شأن نزول آیات، و بحث در احکام فقهيه، و تأويلات عرفانی به سبک صوفيه عظام، که جابجا باقوالی چند از خواجه انصار مزین است، و از لحاظ تفسير و تأويل و فقه و خبر و سير و حديث و ادب و صرف و نحو و اشتقاق و کلمات صوفيه و مواعظ اخلاقی ایشان و منتخب اشعار بزرگان - بالاخص سنائی غزنوی و

دیگران کتابیست بی نظیر و بدیل، و گنجی است بی شبیه و مثل که در بحث از کلمات ربّ جلیل برای عباد ذلیل پارسوی گرد کرده و بروزگاران بیادگار گذاشته است. (کشف الاسرار، میبدی، ج ۱، صفحه ج، حکمت)

و این نکته نیز قابل توجه است که شادروان دکتر سید حسن سادات ناصری ترجمه نوبت اول از کشف الاسرار میبدی را با پیشگفتاری از روی متن مصحح استاد حکمت بتاریخ ۵۱/۶/۲۱ با سرمایه انتشارات ابن سینا در یک جلد به طبع رسانده و مرحوم حبیب الله آموزگار خلاصه این تفسیر به خصوص نوبت سوم را در دو جلد به سال ۱۳۴۷ با همکاری کتابفروشی اقبال با مقدمه‌ای منتشر ساخته است.

۶- رُوحِ الْجِنَانِ وَ رُوحِ الْجِنَانِ، یا، رُوحُ الْجِنَانِ وَ رُوحُ الْجِنَانِ: اثر گرانقدر و محققانه شیخ جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن أحمد خزاعی نیشابوری رازی است که در قرن پنجم میزیسته و اوائل قرن ششم هجری وفات یافته است و میان مورخان در تاریخ دقیق ولادت و وفاتش اختلاف است.

نام این تفسیر را به دو صورت آورده‌اند و نخستین کسی که به تصحیح و نشر آن پرداخت حکیم و عارف معاصر ایران مرحوم استاد محیی الدین مهدی الهی قمشه‌ای رضوان الله تعالی علیه است و سپس دانشمند و حکیم ارجمند شادروان حاج میرزا ابوالحسن شعرانی رحمة الله تعالی علیه این تفسیر را با حواشی جامع در ۱۳ جلد تصحیح نمود و به کوشش دانشمند و فقیه رایومند آقای علی اکبر غفاری و همکاری مدیران محترم کتابفروشی اسلامیة در سال ۱۳۵۶ به نام رُوحِ الْجِنَانِ وَ رُوحِ الْجِنَانِ به طبع رسید. این ترجمه و تفسیر، از آثار مهم و ارزشمند شیعه به شمار می‌رود و نویسنده را در تألیف و تصنیف آن، به مقتضای عصر و زمان، اصطلاحاتی خاص است و از آنجمله ترجمه افعال جمع به مفرد فارسی است مثلاً و اَنتُم تعلمون را «شما میدانید» و اِن کُنتُم فی ریب را «و اگر می‌باشی در شک» ترجمه کرده است دیگر اینکه فعل ماضی متکلم مع الغیر مانند رفتیم و گفتیم و کردیم به صورت رفتمانی و گفتمانی و کردمانی آمده است و این صیغه بیشتر در شرط استعمال می‌شود و نظیر آن هنوز در قم و کرمانشاه و بعض شهرهای دیگر در زبان عامه مستعمل است و دیگر از این نوع اصطلاحات خاص این

تفسیر استعمال آنزله کردن است بجای نازل کردن و فرو فرستادن. و مواردی دیگر از این اختصاصات موجود است که برای اطلاع از آنها نیکوست محققان به مقدمه حکیم شعرانی صفحه ۲۲ و ۲۳ مراجعه فرمایند.

استاد شعرانی در باره روش شیخ ابوالفتوح رحمة الله علیه چنین اظهار نظر فرموده است که «تفسیر شیخ از جهت فصاحت لفظ و لطف عبارت بر همه تفاسیر فارسی شیعه رجحان دارد. با اینک مؤلف اصلاً از نژاد عرب است، چون خاندان او سالیان دراز در بلاد عجم زیسته و او خود در زبان فارسی، از نظم و نثر، تبحر کامل داشته، کتاب او از بزرگترین نمونه‌های نثر فصیح فارسی است و آن لطف تحریر و عذوبت بیان که در آن است در تفاسیر دیگر نیست»

«در ادب و بیان و صرف و نحو لغت و أمثال آن غایت جهد بکار برده و منتهای تحقیق به عمل آورده است و هیچ جهت را فروگذار نکرده» «در علم کلام طریق توسط پیموده است و روش قدما را برگزیده» (روح الجنان، مقدمه، ص ۲۴)

این ترجمه و تفسیر عالی قدر با عبارات زیر آغاز می‌شود:

«سپاس خدای را که بردارنده این ایوان است و آراینده آن به ماه و آفتاب و ستارگان است. و دارنده دین به پیغمبران و امامان است. و درود بر رسول او که ختم پیغمبران است و سید مرسلان است و بر أهل البیت او که ستارگان زمینند و پیشوایان دین‌اند. و بر یاران، او بزرگان و اخیار، از مهاجر و أنصار» (روح الجنان، ص ۲۹)

۷- مواهب علیه یا تفسیر حسینی:

این ترجمه و تفسیر اثر کمال الدین حسین بن علی کاشفی یکی از دانشمندان سده نهم هجری است که در مرداد ماه ۱۳۱۷ ه.ش با تصحیح و مقدمه و حاشیه‌نگاری دانشمند ارجمند آقای سید محمد رضا جلالی نائینی در چاپخانه اقبال در چهار جلد به طبع رسیده است و کاشفی خود در مقدمه، سال اتمام این تألیف را ۸۹۷ هجری یاد می‌کند (مواهب علیه، مقدمه مؤلف، ص ب).

از جانب دیگر این ترجمه و تفسیر در بمبئی هند چند بار با چاپ سنگی و افست از روی آن به طبع رسیده است و نسخه‌ای از آن به کوشش انتشارات اسماعیلیان منتشر

گردیده است و در آخر این تفسیر ماده تاریخ وفات مفسر در سه بیت زیر آمده است که سال ۹۱۰ ه را بیان می کند.

ناصر و فیاض مولانا حسین کاشفی      آنکه گنج معرفت در مخزن دلهانهاد  
دیدمش در واقعه بر منبر عرش از شرف      گفتمش تاریخ فوتت چیست ای صاحب رشاد  
گفت چون شد بعد از این بر منبر عرشم مقام      از پی تاریخ نیکو منبر ما عرش باد  
(تفسیر حسینی، طبع هند، ص ۹۶۷، خاتمه ۱)

#### ۸- منهج الصادقین فی الزام المخالفین:

این ترجمه و تفسیر تألیف عالم ربّانی مولی فتح الله کاشانی قدس سرّه الشریف از علمای زمان شاه طهماسب صفوی و متوفی به سال ۹۸۸ ه. است که نخستین بار در سال ۱۲۸۴ در تهران و تبریز و خلاصه آن در یک جلد به فارسی به طبع رسیده است و سرانجام با مقدمه و پاورقی دانشمند محترم آقای حاج سید ابوالحسن مرتضوی در ۲۸ جمادی الثانیه سال ۱۳۸۸ ه. ق و سپس با تصحیح دانشمند ارجمند آقای علی اکبر غفاری و با خط هنرمند عالی قدر آقای طاهر خوشنویس و به کوشش مدیران محترم کتابفروشی علمیه اسلامیّه در طهران، ناصر خسرو و به طبع رسیده است.

این ترجمه و تفسیر دارای عباراتی روان و ایجاز در بیان است و از تفاسیر مهم امامیه به زبان فارسی به حساب می آید و نویسنده از تفاسیر ابوالفتوح رازی و خواجه عبدالله انصاری و میبدی و زمخشری بخصوص بیضاوی متأثر است. و علامه شعرانی در مقدمه ای که بر این تفسیر نگاشته، معتقد است که مفسر از تفسیر انوار التنزیل نیز نقل مطلب کرده است، بخصوص در نقل قصه ها و حکایت ها، اگر چه از تفاسیر دیگر شیعه چون تفسیر شیخ طوسی و رازی و گازر بهره گرفته است. (منهج الصادقین، مقدمه علامه شعرانی، طبع اسلامیّه، ج ۱، ص ۳)

خلاصه منهج الصادقین با تصحیح علامه شعرانی در ۸ جلد به سال ۱۳۶۳ ش در طهران به کوشش انتشارات اسلامیّه به طبع رسید (المفسرون، آیازی، وزارة الثقافة و الإرشاد الاسلامی، ص ۶۸۳).

شاعری اییاتی در رثاء مولی فتح الله کاشانی سروده است و ماده تاریخ فوت او را



(ملاذالفهاء) آورده است و گوید:

مفتی دین متین، کاشف قرآن مبین هادی وادی تفسیر که در حل کلام ملک ذات و فلک مرتبه فتح الاسلام قدوه اهل فقاہت که به مصباح دروس کرد پرواز بشبهازسبک جنبش عزم فقها را چو ملاذی بجز آن قدوه نبود

واقف سر قدر، عالم اسرار قضا خاطرش بود در اسرار یقین پرده گشا که بُد از قوت او رایت اسلام بپا همه را بود به ارشاد بحق راهنما دل وسعت طلبش ناگه از این تنگ فضا بهر تاریخ نوشتند: ملاذالفقها

(منهج الصاقین، مقدمه کرونلی اصفهانی، ص ۶۴)

۹- تفسیر شریف لاهیجی، تصنیف بهاءالدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی ملقب به قطب الدین با مقدمه و تصحیح دانشمند فقیه شادراوان استاد امیر جلال الدین حسینی أرموی «محدث» به سال ۱۳۸۱ ه.ق مطابق با ۱۳۴۰ ه.ش و با پیشگفتار دانشمند ارجمند، شادروان دکتر علی اکبر شهابی، مدیر کل اوقاف وقت، در مؤسسه مطبوعاتی علمی به طبع رسیده است.

شریف لاهیجی، مؤلف این ترجمه و تفسیر عالی قدر شاگرد محقق داماد و معاصر با محدث کاشانی و علامه مجلسی و شیخ حر عاملی بوده است و به قول استاد محدث «با آنکه کلیه علماء رجال و تراجم که بر حال یا کتب او واقف شده‌اند به مراتب فضل و تقوی و شخصیت علمی وی اعتراف نموده و تجلیل کرده‌اند، با وجود این به شرح حال جامع و مفصّلی از وی نپرداخته‌اند و جز چند صفحه‌ای که خودش در خاتمه اثر گرانبهایش «محبوب القلوب» نوشته است در هیچ کتاب دیگری بیش از چند سطر نمی‌توان یافت» و «وفات وی فیما بین سنوات ۱۰۸۸-۱۰۹۵ بوده است» (تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۵ و ۶، ص ۴۲)

نثر این ترجمه و تفسیر، به فارسی روشن و روان است و از جمله آثار نیکوی تفسیری امامیه به شمار می‌آید. «حال به تطبیق ترجمه‌ها می‌پردازیم»

## بسم الله الرحمن الرحيم

بنام یزدان بخشاینده

«سلمان پارسی» ۱ «متوفی ۳۵ تا ۳۶ ه.ق.»

بنام خدای مهربان بخشاینده

«ترجمه تفسیر طبری اثر مترجمان سامانی، سال ۳۶۵-۳۵۰»

ابتدا کنم در همه کارها و تبرک گیرم به نام خدا، آن مهربان به روزی دادن همه جانوران، آن بخشاینده به آمرزش خاص مؤمنان

«تفسیر سوراآبادی اثر محمدبن عتیق نیشابوری، سوراآبادی، متوفی به سال ۴۹۴ ش.»

آغاز کردم به نام خداوند روزی دهنده آمرزنده

«تفسیر نسفی اثر ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی، متوفی به سال ۵۳۸»<sup>۴</sup>

بنام خداوند جهاندار دشمن پرور به بخشاینده گی، دوست بخشای به مهربانی

«کشف الاسرار و عده الابرار اثر خواجه عبدالله انصاری متوفی ۴۸۱ ه.ق.»

و ابوالفضل رشیدالدین المیبدی متوفی ۵۵۰ ه.ق.»

بنام خداوند بخشاینده مهربان

«روح الجنان و روح الجنان اثر جمال الدین ابوالفتح رازی» متوفی بعد از ۵۸۵»

بنام خدای سزای پرستش، نیک بخشنده بر خلق بوجود حیات، بخشاینده و

مهربان بر ایشان به بقا، و محافظت کننده از آفات

«مواهب علیه یا تفسیر حسینی اثر کمال الدین حسین کاشفی، متوفی ۹۱۰ ه.ق.»

بنام خدای که بوجوب وجود و استجماع جمیع صفات کمال، مستحق

پرستش است و سزاوار عبودیت. بسیار بخشنده بر خلقان در دنیا به افاضه وجود

و حیات و آرزاق و سایر نعم تا بوسیله آن معرفت او حاصل کنند و مشغول

عبادت او شوند. نیک بخشاینده بر بندگان در عقبی به مغفرت و رسانیدن ایشان به

روضه

جنت و مقام قربت.

«منهج الصادقین اثر مولی فتح الله کاشانی، متوفی بسال ۹۸۸ ه.»

ابتدا میکنم به نام معبود مستجمع جمیع صفات کامله، نیک بخشاینده بر جمیع خلق در دنیا، بخشاینده بر مؤمنین در آخرت، بسبب ایمان.

«تفسیر شریف لاهیجی اثر بهاءالدین محمد بن شیخعلی الشریف اللاهیجی شوقی»

به یاری وجودی همه جود، لایزال و نامتناهی وجود

بی آغازی بی انتها، بی انبازی یکتا

تمام کمال و جمال، بی همال و سراسر جلال

بخشاینده همگان، و مهربان مؤمنان

آغاز می‌کنیم

نخستین در معرفت نام اوست	زدریای زخار و موج دوست
بدین نام تا عرش پرواز کن	بگفتا به بسم اله آغاز کن
به تأیید ما همره یار شو	به توفیق ما بر سرکار شو
زدل حمد و تسبیح ما بازگو	زما یاوری خواه و یاری بجو
که او راست زاسماء نیکوی بحر	به الله مستجمع لطف و قهر
همه خیر و خوبی و مجد و جلال	به الله یکسر کمال و جمال
که با او نیابی زیگانه ریش	تو آغاز کن کار و گفتار خویش

«سید امیر محمود انوار، انوار ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآنی»

## الحمد لله رب العالمین

شکر خدای را، خداوند جهانیان

«مترجمان سامانی، ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰»

سپاس و آزادی و ستایش خدا را سزد، آن خدای که خداوند و مهتر و

پروردگار همه جهان و جهانیان است» «سورآبادی»، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷»

سپاس مرخدای را که آفریدگار و پروردگار و سازنده کار جهانیان است.

«نسفی، تفسیر، ج ۱، ص ۱»

ستایش نیکو ثناء به سزا خدای را، خداوند جهانیان و دارنده ایشان.

«خواجه عبدالله انصاری و میبدی، کشف الأسرار و عدّة الأبرار، ج ۱، ص ۲»

سپاس مرخدای را که پروردگار عالمیان است

«ابوالفتوح رازی، روح الجنان روح الجنان، ج ۱، ص ۳۷»

هر ثنائی و آفرینی که از ازل تا ابد موجود و معلوم بود و هست و خواهد بود. جمله آن به تمام و کمال، مرخدای را که مسمی و موصوف است به همه اسماء و صفات کمالیه، آفریننده و پرورنده و دارنده و تربیت کننده، و سازنده کارهای همه عالمیان از ملائکه و جنّ و انس، و وحوش و طیور و سباع، و حیوانات آبی و جز آن. «کمال الدین حسین کاشفی، تفسیر حسینی، ج ۱، ص ۱»

هر ثنائی جمیل و وصف جلیل، که از ازل تا ابد موجود بوده و هست و خواهد بود، مختصّ است مرخدای را، که موصوف است به همه اسماء حسنی و صفات عُلیّی، که از جمله آن قدرت تامه اوست بر اصول نِعَم و ایجاد ایشان و انشاء جمیع ممکنات و تربیت و اصلاح شأن ایشان. «مولی فتح الله کاشانی»

جمیع محامد و همه ثناها، از ازل تا ابد، آنچه معلوم و موجود بوده و هست و خواهد بود، مرذات، مستجمع. جمیع صفات کامله راست که پرورنده و تربیت کننده جمیع مخلوقات است، از ملائکه و جنّ و انس و وحوش و طیور و سباع برّی و بحری و غیر آن. «شریف لاهیجی، تفسیر، ج ۱، ص ۳»

زیباترین سپاس و رساترین ستایشی

که از ازل تا به ابد از آفریدگان دو جهان برخیزد و نوایش برگوش پنهان و

آشکار جهان آویزد ویژه ذاتی است پروراننده جهانیان از خرد و کلان و

آشکار و نهان.

سپاس و ستایش به زیباترین	نوا و نوازش ز مُلک زمین
به اوج و بلندای عرش برین	زاغاز تا قلّه آخرین
زناسوت تن تا ملکوتِ جان	زجان تا جبروتِ هر دو جهان
وزان تا به لاهوتِ اسم و صفات	زلاهوت تا عرشِ هاهوت ذات
بُود ویژه ذاتِ پروردگار	جهانداور و خالق و کردگار

خدایی که هر دو جهان آفرید      سپس خَلق را با کرم پرورید  
به فضل و به إحسان برِ عالمین      فرو ریخت نعمت زعرش برین  
دمید او ز روحش به نفس بشر      خلیفه نمودش سپس سر بسر  
که تا بر جهان حکمرانی کند      خداجوئی و کامرانی کند

(سید امیر محمود انوار، انوار ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآنی)

### الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهربان و بخشاینده

«مترجمان سامانی، ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰»

آن مهربان به روزی دادن همه جانوران را، آن بخشاینده به آمرزش خاص  
مؤمنان را. «سورآبادی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷»

روزی دهنده همه جانوران است، بخشاینده بر همه عاصیان است.

«نسفی، تفسیر، ج ۱، ص ۱»

فراخ بخشایش مهربان

«خواجه عبدالله انصاری، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۲»

بخشاینده مهربان

«ابوالفتوح رازی، روح الجنان، ج ۱، ص ۳۷»

بخشاینده وجود بار دیگر در آخرت بعد از فنای جهانیان، بخشاینده دیگر بار  
به رأفت و رحمت بر مؤمنان و در آورنده ایشان در بهشت جاودان.

«کمال الدین حسینی کاشفی، مواهب علیّه، ج ۱، ص ۱»

خدای که بخشاینده نعمت است بر خلقان، و آمرزنده عاصیان در آن جهان.

«مولی فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۰۹»

نیک بخشاینده بر جمیع خلق در دنیا، بخشاینده بر مؤمنین در آخرت، به سبب

ایمان. «بهاء الدین شریف لاهیجی، تفسیر، ج ۱، ص ۳»

آن مهریار همگان از دوستان و دشمنان

و آن مهربان یاران و دوستان در عیان و نهان

### از آغاز بی ابتدا تا انجام بی انتها

خداوند رحمان که بر فیض او  
دو عالم به زنجیر مهرش اسیر  
همو دلنواز دل دوستان  
رحیمست و رحمان و حی و علیم  
به رحمت بر دوستان دلنواز  
بر دشمن و دوست رحمان بود  
همو مهربان است بر دو جهان  
ز انوار مهرش جهان پر ز نور  
(سید امیر محمود انوار، انوار ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآنی)

### مالک یوم الدین ملک یوم الدین

#### پادشاه روز رستخیز

«مترجمان سامانی، ترجمه تفسیری طبری، ج ۱، ص ۱۰»

#### پادشاه روز شمار و قضا و جزا است

«سور آبادی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷»

پادشاه روز قیامت است، که در روی شمار و جزا و حکم و سیاست است

«نسفی، تفسیر، ج ۱، ص ۱»

#### خداوند روز رستخیز و پادشاه روز شمار و پاداش

«خواجه عبدالله و میبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۲»

#### خداوند روز جزا

«ابوالفتوح رازی، روح الجنان، ج ۱، ص ۳۷»

خداوند روز جزا یا متصرف در آن روز به هر چه خواهد. یا حافظ اعمال بندگان تا در دادن و ستدن نامها غلط نشود. یا قاضی روز حساب که میان بندگان به حق حکم کند. و یا جزا دهنده به راستی در روز پاداش.

«مولى حسين، كمال الدين حسينى كاشفى، مواهب عليه، ج ۱»  
خدائى كه خداوند روز جزا دادن است و جميع بندگان را در آن روز، به سزا و جزاى كردار خودشان رساند. بدین وجه كه مطیع را ثواب دهد و عاصی را عقاب نماید. «مولى فتح الله كاشانى، منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۰۹ و ۱۱۰»  
خداوند روز جزا و متصرف در آن روز است، به هر چه خواهد و بنا به قراءات ملك يوم الدين ترجمه‌اش چنین است كه: پادشاه روز جزاست. كه سلطنت و پادشاهی در آن روز او را باشد. چنانچه فرمود: لمن الملك اليوم لله الواحد القهار  
«بهاء الدين شريف لاهیجی، تفسیر، ج ۱، ص ۳»

دارنده روز شمار است و جزا او شاهنشاه پادشاه دهنده رستخیز است و قضا  
خداوند دارای روز جزا      شاهنشاه دین بر سریر قضا  
همو دادگر قاضی خوش حساب      کند حکم با آیه‌های کتاب  
دهد نیکوان را به فضلش ثواب      کند بدکنان را به قهرش عقاب  
دل دوستان را کند شاد شاد      به دوزخ برد اهل ظلم و عناد  
دهد نور خود را به یاران دوست      به نارش بسوزد زبندگان پوست  
(سید امیر محمود انوار، انوار ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآنی)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

ترا پرستیم و از تو یاری خواهیم

«مترجمان سامانی، ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰»

ترا پرستیم و بس، و یاری از تو خواهیم و بس

«سورآبادی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷»

ترا پرستیم و از تو یاری خواهیم

«نسفی، تفسیر، ج ۱، ص ۱»

ترا پرستیم و از تو یاری خواهیم

«خواجه عبدالله انصاری، میبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۲»

ترا می پرستیم و از تو یاری می خواهیم

«ابوالفتوح رازی، روح الجنان، ج ۱، ص ۳۷»

ترا می پرستیم و بس، که غیر از تو مستحق عبادت نیست. و خاص از تو یاری می خواهیم در پرستش تو و در انجام سائر حوائج و مهمات.

«مواهب علیّه، ج ۱، ص ۲»

ترا می پرستیم و بس و غیر تو را در این امر شریک نمی سازیم زیرا که غیر از تو هیچ کس دیگر مستحق عبادت نیست. و همین از تو یاری می خواهیم در دوام پرستش تو و در جمیع مقاصد و حوائج نه از غیر تو. و نزد بعضی، معنی آنست که:

تو را می پرستیم به جهت دخول جنان و از تو یاری می خواهیم به جهت خلاصی از نیران.

«منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۱۱»

ترا عبادت می کنیم و بس، تعالی و تقدّس. و غیر تو را مستحق عبادت نمی دانیم و خاص از تو یاری می خواهیم در ادای عبادات و انجام سایر حوائج و مهمات و دیگران را واسطه رسانیدن فیض تو می دانیم. «تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۳»

تنها تو را پرستیم و بس و تنها از تو یاری جوییم و بس

بجز تو نداریم مهری به کس	به تنها تو را می پرستیم و بس
همه بسندگانییم، فریاد رس	که جز تو نداریم فریاد رس
وجود حقیقی زخرد و کلان	بجز تو کسی نیست اندر جهان
به درگاه عزّت همه عاطلند	همه جمله ماهیت باطلند
همانند تو گو، به عالم که کیست؟	کرم کردی و بود کردی تو نیست
بر آری به یک دم جهان از عدم	تویی نور عالم به فضل و کرم
به دید آوری چهره ناپدید	جهان را به یک گن کنی تو پدید
که از فیض تو هیچ گردیده هست	عبادت سزای تو، حق تو است

سید امیر محمود انوار

انوار ترجمه ها و تفسیرهای قرآنی.

إهدنا الصراط المستقیم



### راه نمای ما را راه راست

«مترجمان سامانی، ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰»

نموده می‌دار ما را راه بایسته و درست

«سورآبادی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷»

بدار ما را بر راه راست که راه انبیا و اولیاست

«نسفی، تفسیر، ج ۱، ص ۱»

راه نمون باش ما را به راه راست و درست

«خواجه عبدالله انصاری و میبیدی، کشف الاسرار و عدةالابرار، ج ۱، ص ۲»

هدایت کن ما را راه راست

«ابوالفتح الرازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۳۷»

ما را راه نمای به راه راست که راه انبیا و اولیاست

«کمال الدین حسین واعظ کاشفی، مواهب علیّه، ج ۱، ص ۲»

بنما بما راه راست را که آن سبب وصول است به جنان و رسیدن به روضه رضوان

«فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۱۱»

بنما ما را راهی راست در اقوال و افعال و اخلاق که آن راه متوسط بود میان

افراط و تفریط یا: ثابت دار ما را در آن راه که راه محمد و ائمه معصومین

است صلوات الله علیه و علیهم اجمعین

«شریف لاهیجی، تفسیر، ج ۱، ص ۴»

بنما ما را راه راست، آن راهی که بی کژوکاست سوی شماست

تو بنما به ما ای خدا، راه راست	که راه نبی و ره اولیاست
رهی دور از کژی و کاستی	ره مستقیم و ره راستی
ره مهر احمد نبی الوری	ره مایه حیدر امام الهدی
ره عاشقان و ره عارفان	ره واصلانت به هر دو جهان
ره قاب قوسین و آدنای عشق	ره ذات بی چون و دریای عشق
رهی کوفنا را به ذات کشد	دل و عقل و جان را به راحت کشد

شویم ای خدا مات در ذات تو بگردیم از جان همه مات تو

«سید امیر محمود انوار، انوار ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآنی»

صراط الذین أنعمت علیهم غیر المغمضوب علیهم ولا الضالین راه

آن کس‌ها که منت نهادی برایشان نه آن کس‌ها که خشم گرفته‌ای

برایشان، و نه گم شدگان از راه.

«مترجمان سامانی، ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰»

راه آن کسان که خشم گرفتی برایشان، و نه نیز راه گمراهان

«سور آبادی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷»

راه آنان که به ایشان انعام کرده‌ای نه راه آنها که اهل انتقامند و آن جهودانند

و نه راه آنها که گمراهانند و آن تراسایانند، نه راه گبران و نه راه هواداران

«نسفی، تفسیر، ج ۱، ص ۱ و ۲»

راه ایشان که نواخت خودنهادی و نیکوئی کردی برایشان نه راه جهودان که

خشم است برایشان از تو و نه ترسایان که گم‌اند از راه تو

«خواجه عبدالله انصاری و میبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۲»

راه آنان که انعام کردی برایشان. نه غضب شده بر آنها و نه راه گمراهان

«ابوالفتوح الرازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۳۷»

بنمای به ما راه آنان که به فضل خود انعام کردی برایشان به نعمت نبوت و رسالت

و ولایت و صدیقیت و شهادت و صلاحیت. یا راه آنها که اهل قربند و به کمال نعمت

ظاهر که قبول شریعت است و به جمال نعمت باطن که اطلاع به دقت اسرار حقیقت

است ایشان را معزز و مکرم ساخته‌ای نه راه آن کسانی که خشم گرفته‌ای برایشان، نه

راه گمراهان. «مولی حسین واعظ کاشفی، مواهب علیّه، ج ۱، ص ۲ و ۳»

راه کسانی که بفضل شامل خود، انعام کردی برایشان، نعمت هدایت و طریق

طاعت خود را. مراد پیغمبران و صدیقان و شهداء و صلحاء‌اند چنانکه فرموده که «و

من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدّیقین و

الشهداء و الصّالحین» یعنی بنما بما راه آنها که اهل قربند و به کمال نعمت ظاهره که

قبول شریعت است و به جمال نعمت باطنه که اطلاع بر دقائق اسرار حقیقت است، ایشان را معزز و مکرم ساخته. نه طریق کسانی که غضب و خشم واقع شده برایشان.

(شریف لاهیجی، تفسیر، ج ۱، ص ۴)

راه آنانی که بدیشان به نعمت، منت نهادی. نه راه آنانی که برایشان خشم راندی و نه آنانکه از راه راست به بیراهه رفته‌اند.

همان راه اصحاب صدق و صفا	همان راه یاران مهر و وفا
نه آن راه مفضوب در نعمت	همان راه پرورده نعمت
که دست ملک در دلش مهر کشت	همان راه سدره نشین بهشت
که از راست برگشته و خسته‌اند	نه راهی که گمگشتگان رفته‌اند
نه چون راه گمگشته عالمین	نه چون راه مرتد ز دین مبین
در آن گفته خلق را دم زدند	که وحی خدا جمله برهم زدند
همان غافلان از حق لایزال	گیل آلود کردند آب زلال
نهادند شرکی به جای یقین	بگشتند مفضوب و گمراه دین
غضب کرده حضرت سرمدند	چو با خلق عالم به ظلم آمدند
به دست عذاب خدا خسته‌اند	چو از راه، بی راهه را رفته‌اند

(سید امیر محمود انوار، انوار ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآنی)

نتیجه:

اگر چه متن قرآن کریم یکی است، اما ترزیبانان پارسیگو، در زمانها و مکانهای گوناگون، در بلندای تاریخ، هر یک به زبانی ویژه خود، به ترزیبانی حمدالهی پرداخته‌اند و در نتیجه، تطبیق آن ترزیبانیهای زیبا، بستانی رنگارنگ و دلربا، برای پژوهشهای ادبی و زبانشناسی می‌گشاید و نگارنده نیز در نتیجه این تطبیق، بدین نتیجه نیز رسید که خود نیز دست ارادت بدرگاه عنایت پروردگار کریم برآرد تا توفیق ترجمه‌ای دیگر به نثر و نظم یابد. و الله الموفق و المعین و علیه التکلان

### منابع:

- ۱- ترجمه سلمان پارسی، مراجعه شود به «مناهل الفرقان فی علوم القرآن» تألیف عبدالعظیم الزرقانی، ج ۲، ص ۵۵، چاپ داراحیاء الکتب العربیة بمصر «به نقل از تاریخ ترجمه قرآن در جهان، دکتر جواد سلماسی زاده، امیرکبیر، ص ۸۹.
- ۲- ترجمه تفسیر طبری، اثر دانشمندان ایرانی، در زمان منصور بن نوح سامانی، سال ۳۵۰ تا ۳۶۵، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمائی، طهران، چاپخانه دولتی ایران، سال ۱۳۳۹ ه.ش.
- ۳- تفسیر سوراآبادی، اثر ابوبکر عتیق نیشابوری، متوفی بسال ۴۹۴ ه.ش به تصحیح سعیدی سیرجانی.
- ۴- تفسیر نسفی، اثر امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی متوفی بسال ۵۳۸ به تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، انتشار بنیاد قرآن، ج ۱، ص ۳.
- ۵- کشف الاسرار و عده الابرار، تفسیر خواجه عبدالله انصاری، تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، متوفی ۵۵۰ ه.ق، به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، ج ۱، ص ۲.
- ۶- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، اثر شیخ جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن أحمد بن ابراهیم بن الفضل بن شجاع بن هاشم خزاعی رازی. «این سلسله نسبت مأخوذ از لسان المیزان ابن حجر عسقلانی است»
- تصحیح و حواشی بقلم، آقای حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، طبع اسلامیّه، ج ۲-۱، ص ۴۳۴. توضیح: ترجمه این آیه کریمه در آغاز سوره مبارکه حمد و بقره نیامده است لذا از ترجمه سوره مبارکه آل عمران استفاده شد.
- ۷- مواهب علیّه یا تفسیر حسینی (بفارسی)، اثر کمال الدین حسین کاشفی متوفی بسال ۹۱۰ ه.ش، به تصحیح و مقدمه و حاشیه نگاری سید محمد رضا جلالی نائینی، کتابفروشی و چاپخانه اقبال، مرداد ماه ۱۳۱۷، ج ۱، ص ۱.
- ۸- منهج الصادقین، اثر مولی فتح الله کاشانی، متوفی به سال ۹۸۸ ش با مقدمه حاج سید ابوالحسن مرتضوی و تصحیح اکبر غفاری، چاپ علمیّه اسلامیّه، ج ۱، ص ۹۳.
- ۹- تفسیر شریف لاهیجی، تصنیف بهاء الدین محمد بن شیخعلی الشریف اللاهیجی با مقدمه و تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، مؤسسه مطبوعاتی علمی ۱۳۸۱ ق: ۱۳۴۰ ش، ج ۱، ص ۲.